ارزیابی پدیدارشناختی وضعیت مسکن موقت از دید زنان روستای زلزله‌زده چوبانلار سردارلو - هریس

رحمت محمدزاده *، شهین فرخی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۹/۱۲
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

چکیده

مسکن موقت بخش حیاتی اما بحث برانگیزی در مناطق زلزله‌زده است. خانواده های متاثر از بلایای طبیعی غالباً نیاز به مکانی امن برای راه‌اندازی مجدد فعالیت‌های روزانه خود دارند. اگر بعد از زلزله، مساکن موقت ارائه نشود آسیب‌دیدگان با مسایل فردی و اجتماعی زیادی مواجه می‌گردند. هدف از این تحقیق ارزیابی وضعیت مسکن موقت بعد از زلزله از نگاه زنان روستای زلزله‌زده چوبانلار سردارلو - هریس می‌باشد. این بررسی از آن جهت حائز اهمیت است که زنان روستایی با وجود مسئولیت حفظ و نگهداری خانه و کاشانه خویش، با محدودیت‌های زیادی چون فقدان درآمد، فقر، محرومیت و توان جسمی کم مواجه هستند.

این مطالعه به روش تحقیق کیفی با رویکرد «پدیدارشناسی تاویلی» انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که اغلب زنان مصاحبه‌شونده در اسکان‌موقت با مشکلاتی چون امنیت جانی، امکانات بهداشتی، نبود فضاهای مکمل و امکانات آبرسانی در مقیاس خارج از چادرها و همچنین نبود محرمیت، تهویه، فزونی افراد در چادرها، آشپزی و مشکلات ناشی از آن و گرمایش در مقیاس داخل چادرها مواجه بودند. بنابراین با تدابیری چون دیوار چینی و حصارکشی گرداگرد محوطه چادرها و قراردادن حمام‌ها در مکان‌هایی خارج از دید عموم، جدا کردن حمام‌های زنانه و مردانه از یکدیگر، احداث مسجد به‌صورت موقت تا زمان ساخت نهایی آن، آرایش فضایی چادرها مبتنی بر عوامل خویشاوندی، تقسیم‌بندی داخل چادر به فضای زندگی و قسمت انباری، تعبیه هواکش در بدنه کانکس‌ها و ایجاد پنجره بر بدنه چادرها می‌توان از شدت مشکلات کاست.

واژگان کلیدی: مسکن موقت، پدیدارشناسی، روستای چوبانلار، زنان روستایی.

* دانشیار و مدیر گروه معماری، دانشکده عمران، دانشگاه تبریز، ایران.Rahmat@tabrizu.ac.ir
** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

مقدمه

کشور ایران به‌دلیل قرار گرفتن بر روی کمربند جهانی زلزله هیمالیا _ آلپ یکی از پنج کشور لرزه‌خیز دنیا به‌شمار می‌رود (ناطق الهی، ۱۳۷۱). حدود ۱۷/۶٪ زلزله‌های مخرب جهان در ایران رخ می‌دهند. گرچه در مناطق واقع بین رشته کوه‌های البرز و زاگرس، تناوب وقوع زلزله کمتر است، لیکن وقوع زلزله‌های بزرگ و مخرب را در هیچ جای آن نمی‌توان دوراز انتظار دانست (معماری و خندانی، ۱۳۷۲: ۱۳).

آمار زلزله‌های مخرب کشور نشان دهنده آن است که ساختمان‌های روستایی، آسیب‌پذیرترین ساختمان‌ها می‌باشند که نه تنها زلزله‌های شدید بلکه زلزله‌های ضعیف هم بر آن‌ها تأثیر تخریبی فراوانی دارند (گلابچی و طیبات ۱۳۸۶: ۳۲). پس از وقوع یک حادثه طبیعی در ابعاد گسترده و با عمق زیاد، مناطق مسکونی موجود به نوعی غیرقابل استفاده شده و افراد باز مانده ناگزیر به سکونت در مکانی غیر از خانه‌های خود می‌شوند (خداداده و ضیایی، ۱۳۸۷: ۵۸). زنان روستایی اغلب به‌دلیل محدودیت‌های فردی و اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن بیشتر از این مسئله رنج می‌برند. آن‌ها هم قبل و هم بعد از زلزله دسترسی کمتری به اطلاعات دارند و در زمینه برخورداری از مواد غذایی، امکانات پزشکی و غیره در اولویت پایین‌تری هستند. این در حالی است که بیشتر کارکردهای مساکن روستایی به‌عهده زنان می‌باشد.

ایشان علاوه بر مسئولیت‌های زناشویی، وظایفی چون نظافت، پخت‌وپز، دوخت‌ودوز، نگهداری دام، تهیه انواع لبنیات، ترشیجات و مرباجات را بر دوش دارند. با بروز اتفاقاتی غیر مترقبه، سیستم فعالیتی مسکن روستایی به هم می ریزد. در شرایطی که تحمل این شرایط برای مردان در اثر ماهیت کار بیرونی و ارتباط مداوم با دیگران و محیط اطراف نسبتاً ساده است، برای زنان، اغلب چنین نیست، نه امکان انجام امور قبلی را دارند و نه توان بهسازی مسکن. بنابراین بدون تعریف سیستم کاری جدید، مسئله‌ای که آن‌ها را اغلب درگیر خود می‌کند، انباشت درد و احساس ناتوانی است.

در تابستان سال ۱۳۹۱ زلزله‌ای نه چندان مهیب (۶/۲ ریشتر)، بخش زیادی از روستاهای منطقه ورزقان، اهر و هریس را تخریب نمود. علاوه بر تلفات جسمی، روحی و مالی، تعداد زیادی از مساکن روستایی نابود شد. سوال اساسی که مطرح شده این است که زنان روستایی نسبت به مقوله اسکان‌موقت بعد از زلزله چه تجربه‌ای دارند؟ این مطالعه از آن جهت حائز اهمیت است که منطقه محروم بوده و زنان و کودکان بیش از سایر گروه‌های جنسی در معرض انواع محدودیت‌ها هستند. علاوه بر سرد و کوهستانی بودن منطقه، نقش زنان در نظام اجتماعی و کارکردی روستا در کنار مردان حائز اهمیت خاص می‌باشد. از آنجا که درخصوص اسکان‌موقت از دید زنان روستایی، تاکنون مطالعات ارزشمندی صورت نگرفته، این مطالعه می‌تواند گامی گرچه کوچک و لیکن ارزشمند در نظام برنامه‌ریزی و طراحی قلمداد گردد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری مشتمل بر بحث‌های مربوط به زنان روستایی، اسکان‌موقت و پیشینه تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

زنان روستایی با نیروی کار خود علاوه بر ایجاد منابع مالی، با تأمین منابع غیر مالی نیز به اقتصاد خانواده کمک می‌کنند. آن‌ها در تولید کالاهای دارای مصارف خانگی نظیر سبزی، فرآورده‌های لبنی و پوشاک نقش اساسی دارند و معادل ۴۵ درصد از درآمد واقعی خانوار را تأمین می‌کنند (شادی‌طلب، ۱۳۷۹). نقش چند جانبه زنان روستایی در فعالیت‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی و کشاورزی بدین معنا است که روز کاری آن‌ها معمولاً

طولانی است؛ به‌طوری‌که کار روزانه زنان روستایی کشورهای در حال توسعه به‌طور معمول بین ۱۵ تا ۱۶ ساعت و در کشور ما، متوسط ساعات کار روزانه زنان روستایی در فصل‌های زراعی، ۱۴/۳۷ ساعت برآورده شده است که از این مقدار ۹/۳۶ ساعت به فعالیت‌های تولیدی (زراعی، فرآوردی و تبدیلی) و بقیه به فعالیت‌های بازتولیدی در خانه اختصاص دارد (لباف خانیکی، ۱۳۸۰).

بحثی نیست که زنان روستایی به خاطر مسائل خاص خود نگرانی‌های عمده‌ای را در مساکن موقت بعد از زلزله تجربه می‌کنند؛ چرا که آنان در تأمین معاش زندگی خود سهم عمده‌ای برعهده دارند که این وضع در زمان بعد از زلزله و در زمان اسکان‌موقت دگرگون می‌شود و مسائل خاص ناشی از سرپناه موقت بار بیشتری بر دوش آنان می‌گذارد. زنان روستایی معمولاً جز در مواردی که پای عوارض جسمی در میان باشد، تمایلی به آشکار کردن مشکلات خود ندارند، با حادثه غیر مترقبه‌ای چون زلزله، نظام اجتماعی، اقتصادی و کالبدی واحدهای مسکونی به هم می‌ریزد. در این میان نیز، زنان در اثر محدودیت‌های زیاد ناشی از فضا و جامعه و از دست دادن مسکن خویش، بیشتر از دیگران در معرض آسیب قرار می‌گیرند. بنابراین برنامه‌ریزی راهبردی و اصولی برای این قشر از مؤلفه‌های مهم اجتماعی محسوب می‌گردد. به‌خصوص این که در نظر گرفتن این جمعیت، چه به‌عنوان خدمت‌رسان و یا حتی مصرف کننده، در تعادل و توازن توسعه نقشی اساسی دارد. از این رو، تأمین اسکان در بازسازی‌ها اهمیت کلیدی می‌یابد و بایستی در کوتاه‌ترین زمان ممکن نسبت به تأمین آن اقدام گردد.

با این حال باید پذیرفت که اسکان‌موقت یک مقوله ثابت یا یکسان نیست و با اختلاف نظرهایی توأم است. برخی بر این عقیده‌اند که اسکان‌موقت حد واسط بین اسکان اضطراری و بازسازی دایمی است. به اعتقاد آنان اسکان‌موقت زنجیره اتصال مراحل ابتدایی مدیریت سانحه و بازسازی دایمی به‌حساب می‌آید و ماهیت آن‌را مرحله مجزا در نظر نمی‌گیرند. از طرف دیگر برخی معتقدند اسکان‌موقت مرحله‌ای مجزاست که می‌بایست به‌صورت جداگانه در نظر گرفته شود که نقش حیاتی را پس از وقوع حادثه ایفا می‌کند و باید به‌عنوان یک سیستم به خودی خود و هم به‌عنوان بخشی از سیستم بزرگ‌تر بهبود مقابله با سوانح در نظر گرفت (Johnson, 2007). در اغلب بازسازی‌های پس از سانحه معمولاً سه واژه ذیل در ادبیات بلایا به‌کار گرفته شده است:

الف) اقامتگاه انتقالی Transitional (Accommodation): در برگیرنده فرایند سکونت از هنگام اضطرار تا دوران تثبیت است و عامل زمان را به‌عنوان شاخص اصلی در اولویت قرار می‌دهد.

ب) سکونتگاه واسطه‌ای(Intermediate Settlement): این واژه کم و بیش در خود، معنای واژه بند الف را داراست و می‌توان نتیجه گرفت که "فرایند زمان" و "شکل کالبدی" سکونتگاه موقت را تواماً در بر می‌گیرد.

ج) اسکان‌موقت (Temporary Shelter): در مقام مقایسه با دو واژه دیگر، بیشتر ساختاری و کالبدی است و طیف وسیعی از اشکال سازه‌ای و فرم‌های استقرار موقت، از چادر اضطراری تا خانه پیش ساخته شده را در بر می‌گیرد.

مفهوم واژه اسکان‌موقت ترکیبی از سه مورد بالاست که هم جنبه‌های کالبدی و هم غیرکالبدی سرپناه و سکونتگاه پس از سانحه را در بر می‌گیرد. بنابراین سکونتگاه موقت را می‌توان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، اعم از جمع‌آوری و شناسایی افراد مصیبت‌زده و بی‌خانمان، نقل و انتقال افراد به سرپناه و ایجاد شرایط زندگی امن و بهداشتی تا زمان بازگشت آنان به موطن اصلی و یا زیست گاه اولیه‌شان

دانست. مدت زمان اسکان‌موقت بر حسب شرایط، نوع بحران و امکانات از ٦ ماه تا ۲ سال تخمین زده می‌شود و برخی پژوهشگران و مؤسسات امدادی آن‌را به‌عنوان هسته اولیه اسکان دائم نیز قلمداد می‌نمایند (فلاحی، ۱۳۸٦: ۱۱-۱۰).

پیش از ۵ دهه از عمر مطالعات سرپناه پس از سانحه نمی‌گذرد. در سال ۱۹۷۷ مطالعه‌ای با عنوان "تأمین سرپناه اضطراری: دور نماها و موارد" توسط تعدادی از نظریه‌پردازان بلایا در مقیاس محدود منتشر یافت. هاس (۱۹۷۷) کتابی با عنوان بازسازی پس از فاجعه منتشر کرد. اقدامات این پژوهشگر را فریزما (۱۹۷۹) در نوشته‌ای با عنوان "پس از رویداد: وضعیت مناطق پس از بلایای طبیعی" و رایت با مقاله "پس از پاکسازی ضایعات" اثرات بلند مدت بلایای طبیعی"در سال ۱۹۷۹ دنبال کردند. یان دیویس (۱۹۷۸) کتاب سرپناه پس از سانحه را منتشر کرد. چهار سال بعد اداره هماهنگی امداد و سوانح سازمان ملل متحد کتابی با همین عنوان چاپ کرد. در این راستا، دو کنفرانس در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۲ با عنوان "سوانح و ساختمان‌های کوچک مسکونی" در آکسفورد انگلستان برگزار شد. کتاب "در خطر" در سال ۱۹۹٤ به ارائه مبانی نظری و الگوهای مختلف سرپناه می پردازد. در سال ۱۹۹۸ کتاب "سانحه به خانه صدمه می‌زند"منتشر شد. یک سال بعد مرجع دیگری بنام "سوانح با طراحی" به جمع‌بندی مباحث نظری سرپناه و نقش آن در روند توسعه پایدار جوامع می‌پردازد.

در پژوهش منتشر شده توسط اوچا (۲۰۰٦)، به نام "رویکرد نوین به سکونتگاه انتقالی" به جای پرداختن به اسکان‌موقت به‌عنوان یک "تک فضا"، به مصادیقی مانند: امنیت و حفاظت (به‌ویژه برای زنان، کودکان و سایر اقشار آسیب‌پذیر) و مکان‌یابی مناسب برای سکونتگاه پرداخته شده است (فلاحی، ۱۳۸٦: ۱٦).

باید دانست که برنامه‌ریزی نامطلوب در احداث سکونتگاه‌های موقت اثرات منفی بسیاری به‌دنبال دارد که بدترین نمونه آن در آفریقای غربی بود که منجر به فاجعه‌ای بزرگ در کشور و حتی در منطقه گردید. در مقابل، طراحی مناسب سرپناه موقت نه تنها اثرات مثبتی در جامعه آسیب‌دیده دارد، بلکه موجبات تقویت ساختارهای حفاظتی کالبدی و بهبود وضعیت معیشتی مردم می‌گردد (فلاحی، ۱۳۸٦: ۱٦). اغلب کشورهای توسعه‌یافته در خصوص اسکان‌موقت دارای تجارب و دستاوردهای خاص خود بوده که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

کشور ایتالیا با توجه به میزان خرابی و خسارت وارده، تصمیم گرفت آسیب‌دیدگان را در کانکس‌ها و خانه‌های پر فابریکه و پیش‌ساخته اسکان‌موقت دهد. در آن زمان نظر بر این بود که ساخت تعداد زیادی واحد مسکونی برای سکونت این تعداد بی‌خانمان فرایندی زمان بر است و این دوره (دوره اسکان‌موقت) باید در خانه‌های پیش ساخته سپری شود. در برخی از این زلزله‌ها به‌دلیل وارداتی بودن مسکن موقت برخی از نیازهای مردم در این کانکس‌ها برطرف نمی‌شده و به‌دلیل طولانی شدن بیش از حد فرایند بازسازی گاه مردم تصور می‌کنند که این خانه‌ها، خانه‌های دائمی شان است و بنابراین دست به تغییرات زیادی در نما و قسمت‌های داخلی آن می‌زنند. در اکثر موارد نیازهای آنان برآورده می‌شود و لیکن گاهی اوقات این تغییرات غیر اصولی است و باعث بدتر شدن شرایط موجود می‌شود. آنچه مسلم می‌نماید ساخت چنین اردوگاه‌ها و خانه‌های از پیش‌ساخته‌ای با کیفیت مناسب و سطح رفاهی نسبی بالاتر، بسیار گران‌تر از چادر و امثال آن است و گاه نمی‌توان برای اسکان اضطراری و موقت کوتاه مدت از آن‌ها استفاده کرد. این خود یکی از مشکلات اسکان در

خانه‌های پیش ساخته است؛ زیـرا مـردم انگیـزه خـود را جهت انتقال به اسکان دائم که که هـدف اصـلی اسـت از دست می‌دهند (اهری، ۱۳٦۹).

در زلزلـه ژاپـن، دولـت بـه‌دلیـل حجـم بسـیار وسـیع خرابی‌ها، ناچار شـد آسـیب‌دیـدگان را در وهلـه اول در امـاکن عمـومی چـون مـدارس، سـوله هـای ورزشـی و پناهگاه‌ها اسکان دهد. امـا بـا گذشـت زمـان و همچنـین کاهش تعداد افراد مستقر در این اماکن، آسیب‌دیدگانی را که اماکنشان خراب شده یا سوخته بود در منازل مسکونی موقت اسکان دادند تا شـرایط مناسـب‌تـر بـه‌ویـژه بـرای سالمندان فراهم شود. به این ترتیـب دولـت ژاپـن زمـان کافی برای برنامه‌ریزی و بازسازی داشت. آسـیب‌دیـدگان تا زمان اسکان دائم در این منازل موقت به زنـدگی خـود ادامه دادند. به‌همـین دلیـل مـدیریت بازسـازی بـا ایجـاد سرپناه‌های موقتی چون کانکس در فضاهای بـاز موجـود در شـهر ماننـد پـارک‌هـا، فضـایی ایجـاد کردنـد تـا آسیب‌دیدگان راحت‌تر از زمان اسکان اضـطراری بتواننـد به زندگی ادامه دهند. در مواردی اسکان‌موقت ایجاد شده در ژاپن از طراحی مناسبی جهت استفاده افراد کـم تـوان برخوردار نبود. برای نمونه به‌دلیل ارتفاع زیاد دوش‌هـا و سرویس‌های بهداشتی افراد کم توان قـادر بـه اسـتفاده از آن‌ها نبودند. از طرفی رمپ‌های ویژه سالمندان و معلولان به‌دلایل فنی قابـل اسـتفاده نبـود و واحـدهای مسـکونی موقت بدون توجه به تعداد اعضـای خـانوار تحویـل داده شـده و مشـکل فضـای اسـکان‌موقـت در خـانوارهـای پرجمعیت مشهود بود (خدابنده‌لو و طاهری، ۱۳۸٤).

مولر، از کارشناسان سانحه، اعلام مـی‌دارد کـه پـس از زلزله سیکاراگا پیش از ۹۰٪ از بی خانمانان در خانه‌هـای اقوام و دوستانشان ساکن شدند (فلاحـی، ۱۳۸۰: ۳٦). در ارتبـاط بـا اسـکان آسـیب‌دیـدگان پـس از زلزلـه در یوگسلاوی پیشین، فقط اقلیتی انـدک از مـردم اقامـت در اماکنی را که دولت تعیین کرده بود پذیرفتنـد. بـه اعتقـاد آنان وجود حصار و سیم خاردار در اطـراف اردوگـاه‌هـا، عدم آزادی، محرمیت و اعتماد دو طرفه را القـا مـی‌نمـود (فلاحی، ۱۳۸٦: ۳٤).

در خصوص اسـکان‌موقـت بعـد از زلزلـه در ایـران و مشکلات ناشی از آن می‌توان گفـت چادرهـای متعـددی به‌عنوان سرپناه و اسکان‌موقت، طراحی و سـاخته شـده و در اختیار حادثه دیدگان قرار می‌گیرند. اما در اکثـر مـوارد این چادرها با فرهنگ کاربران مطابقت نداشته و هم چنین مقاومت لازم را در برابـر شـرایط متغیـر جـوی نـدارد. در واقع این افراد با مشکلات فراوان ناگزیر بـه تحمـل دوران سکونت در چادر هستند. مهم‌ترین مشکلات این چادرهـا عبارتند از: سخت و طولانی بودن مراحل نصـب چادرهـا، عدم ثبات در برابر وزش باد به‌دلیل اتکا بـه ابـزار کششـی (طناب و میخ)، خطرآفرین بودن طناب های چادرها بـرای تردد افراد در اطراف چادر به‌خصـوص در تـاریکی شـب، نامناسب بودن ارتفاع چادرها به‌طوری‌که ایسـتادن تنهـا در قسمت وسط چادر امکان‌پذیر بـوده و آلـودگی زیسـتی و بهداشتی آن‌ها (خداداد و ضیائی، ۱۳۸۷، ۵۷).

تجربیـات حاصـل از فراینـد سـاماندهـی و تـأمین اسکان‌موقت پس از زلزله منجیل و رودبار (۱۳٦۹) نشـان می‌دهد با توجه به سیاسـت‌هـای گونـاگون اتخـاذ شـده توسط ستادهای معین و عدم وحـدت رویـه و همچنـین بهره‌گیری از روش‌های مختلف کـه منجـر بـه نارضـایتی مـردم مـی‌گردیـد، آسـیب‌دیـدگانی کـه در احـداث اسکان‌موقت خود مشارکت بیشتری داشتند (اگرچه بعضاً از کمک‌های کمتری بهره برده بودند) به مراتب رضـایت بیشتری داشتند (فلاحی، ۱۳۸٦: ۷٦). در زلزله بم (۱۳۸۲) بـاوجود اختصـاص تعـداد زیـادی چـادر اضـطراری در اراضی اطراف شهر، مـردم، مسـکن اضـطراری و موقـت خود را در مجاورت خانه‌های تخریـب شـده خـود برپـا

ساختند و فقط آن گروه از بی‌خانمانان عازم اردوگاه شدند که پیش از زلزله مستأجر بوده و ملکی از خود نداشتند.

در زلزله آذربایجان شرقی (۱۳۹۰) با این فرض که در صورت حذف اسکان‌موقت، مشارکت مردم افزایش و هزینه اسکان‌موقت کاهش می‌یابد، تصمیم بر آن شد که دوره اسکان‌موقت در چادرها وکانکس‌ها سپری شود. اگرچه این تصمیم مزایایی داشت لیکن در اثر سرمای شدید منطقه با مشکلات فراوانی همراه بود. همچنین کمبود جا در چادرها و کانکس‌ها، نبود امکانات مناسب برای انجام فعالیت‌های مربوط به مسکن روستایی چون تهیه لبنیات، پشم‌ریسی، قالی‌بافی و غیره از مشکلات دیگر بود.

سوالات تحقیق

۱. زنان خانه‌دار به‌عنوان نصف جمعیت ساکن منطقه هریس و درعین حال محروم، از پدیده یا مسئله زلزله به‌ویژه اسکان‌موقت ناشی از آن چه درک یا تجربه‌ای دارند؟

۲. آنان با وجود از دست دادن خانه و کاشانه خویش چگونه می‌توانند در مساکن موقت (داخل چادر و خارج از آن) به ایفای نقش های مورد انتظار بپردازند؟

۳. تجارب فردی و زیستی زنان روستایی، چگونه می‌تواند به امر برنامه‌ریزی و مدیریت‌های بعدی کمک نماید؟

مواد و روش

چوبانلار سردارلو از روستاهای زلزله‌زده بخش خواجه شهرستان هریس در استان آذربایجان شرقی می‌باشد (تصویر۱). بر مبنای سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد خانوار در این روستا ۹۸ و جمعیت آن ۳٤٦ نفر می‌باشد. همچنین طبق آمار سال ۱۳۸۵ در حدود ۵۹٪ افراد این روستا سواد داشته که از این میزان سهم زنان ٤۰٪ بوده است. اکثر اهالی چوبانلار به کشاورزی و دامداری می‌پردازند. قالی‌بافی نیز به‌عنوان یک حرفه اصلی به شیوه سنتی خود انجام می‌شود. مرغوب‌ترین و معروف‌ترین فرش استان در این منطقه بافته می‌شود. بافت مسکونی روستا با توجه به آب و هوای سرد آن به‌صورت فشرده بوده و شیب روستا از سمت شمال و جنوب به سمت بیرون در حال افزایش است (تصویر ۲).

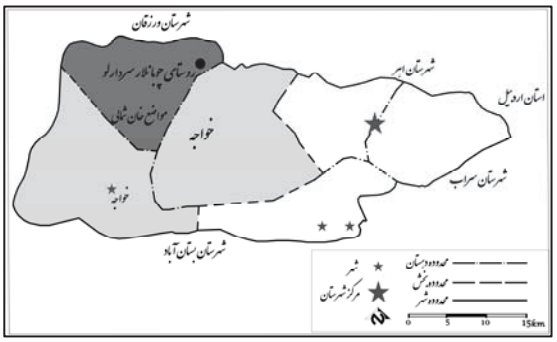

ت ۱. موقعیت روستای چوبانلار سردارلو در شهرستان هریس.

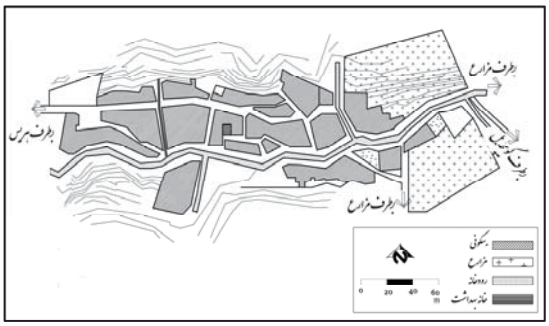

ت۲. نقشه روستای چوبانلار سردارلو.

به گزارش شبکه‌های لرزه‌نگاری وابسته به مرکز لرزه‌نگاری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، دو زمین لرزه پی در پی در ساعات ۱٦ و ۱۷ روز ۲۱ مرداد ماه ۱۳۹۱ با بزرگی ٦/۲ و ٦/۰ (در مقیاس امواج درونی) به ترتیب در ۲۰ کیلومتری غرب اهر و ۲۸ کیلومتری شمال غربی اهر به در عمق حدود ۱۰ کیلومتری زمین وقوع پیوست. طبق آمار وزارت بهداشت (۱۳۹۱) در پی وقوع این زمین لرزه‌ها در شهرستان‌های اهر، ورزقان و هریس، تعداد تلفات زن و

کودک در بیمارستان‌ها ۲۱۹ مورد (۸۱٪) و تعداد مردان فوت شده در بیمارستان‌ها ٤۹ مورد (۱۹٪) بودند. همچنین در اثر این زمین لرزه‌ها ۱۸ هزار و ٦۱۸ واحد مسکونی دچار آسیب شده که از این تعداد ۵ هزار و ۳۲۹ واحد به‌طور کامل تخریب شده است.

این مطالعه به روش تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. یکی از کاربردهای مهم پدیدارشناسی پاسخ به این سوال است که اصل و جوهره وجود پدیده‌ای که به وسیله افراد تجربه می‌شود چیست و چه معنی دارد؟ در واقع این رویکرد به تسخیر تجارب زیست مشارکت کنندگان می‌پردازد. پدیدارشناسان معتقدند که تجربه، به‌دلیل آگاهی افراد از وجود (Existence)، معنادار و قابل تفسیر است. عبارت وجود در دنیا یا تجسم، مفهومی است که پیوند فیزیکی افراد به دنیایشان را تصدیق می‌کند آن‌ها از طریق تعامل بدنشان با دنیا فکر می‌کنند، می‌بینند، می‌شنوند، احساس می‌کنند و به آگاهی دست می‌یابند. در مطالعه پدیدارشناسی منبع اصلی داده‌ها، گفتگوهای عمیق محقق و شرکت‌کنندگان به‌عنوان همکاران است. محقق به شرکت‌کننده کمک می‌کند تا تجربیات زنده اش را توصیف کند، بدون این که بحث را هدایت کند. محقق از طریق گفتگوهای عمیق تلاش می‌کند به دنیای شرکت‌کنندگان وارد شود تا به تجربیات زنده آن‌ها دسترسی کامل پیدا کند. معمولاً مطالعات پدیدارشناسی تعداد کمی از شرکت‌کنندگان را در بر می‌گیرد اغلب ده نفر یا کمتر. برای تعدادی از محققان پدیدارشناس، تحقیق نه تنها اطلاعات را از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری می‌کند بلکه سعی می‌کند تا پدیده را به همان صورت از طریق مشاهده، مشارکت و تفکر درون‌نگر تجربه کند. روش پدیدارشناسی مخصوصاً هنگامی که پدیده مورد نظر بسیار کم شناخته و مفهوم پردازی شده، مفید است (دهقانی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۷۵).

در این پژوهش با توجه به هدف مطالعه، شرکت‌کنندگان براساس نمونه‌گیری هدفمند از بین زنانی که زلزله را تجربه نمودند و با داشتن معیارهایی چون آسیب‌پذیری مستقیم از زلزله، توانایی فکر، توانمندی و حوصله برای مصاحبه انتخاب شدند. در این پژوهش ۱٦ زن با دامنه سنی ۷۰-۲۲ سال مشارکت داشتند. چهارده تن از شرکت‌کنندگان متأهل و دو تن مجرد بودند. هشت نفر بی‌سواد بوده، دو نفر پنجم ابتدایی، دو نفر سیکل و چهار نفر سواد در حد خواندن و نوشتن داشتند.

به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه بدون ساختار و عمیق استفاده شد. مصاحبه با یک سوال وسیع و کلی در مورد تجارب زندگی از بعد از زلزله شروع شد و سپس سوالات اکتشافی برای تشویق شرکت‌کنندگان و دستیابی به اطلاعات عمیق‌تر پرسیده شد. مدت مصاحبه بین ٤۵ تا ٦۰ دقیقه بود. از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا زمان و مکان مصاحبه را به دلخواه خود تعیین کنند. مصاحبه‌ها تا دستیابی به داده‌های عمیق ادامه یافت. مطالعه مصاحبه‌ها منجر به ایجاد ۱٦ توصیف از مجموع مصاحبه‌ها گردید. پس از آن متن هر مصاحبه چندین بار خوانده شد و جملات یا عباراتی که به‌نظر می‌رسیدند مربوط به پدیده توصیف شده یا آشکارکننده آن هستند، انتخاب شدند. در مراحل بعدی با حذف موردهای مشابه و همپوشان در نهایت ۲ محور با ۱۳ مضمون حاصل شد. برای تضمین معتبر بودن، یافته‌های این مطالعه به شرکت‌کنندگان ارائه شد و آن‌ها نظرات خود را در مورد هماهنگی یافته‌ها با تجربیات خود به محققین ابراز نمودند. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت تحقیق آگاه شدند و با رضایت آگاهانه در تحقیق شرکت نمودند. به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات به‌دست آمده صرفاً در جهت اهداف تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد و در اختیار افرادی غیر از تیم پژوهش قرار نمی‌گیرد.

یافته‌ها

به‌طور کلی از دید زنان مشارکت‌کننده، اسکان‌موقت بعد از زلزله در دو سطح قابل بررسی است. این سطوح عبارتند از:

۱. خارج از چادر (عوامل محیطی)

چیدمان و قرارگیری چادرها: یک روز بعد از زلزله، چادر زلزله‌زدگان در سمت شرق روستا احداث گردید. چادرها در یک فضای باز به دور از ساختمان‌هایی که احتمال تخریب آن‌ها بر اثر زلزله مجدد بود، برپا شد (تصویر ۳).

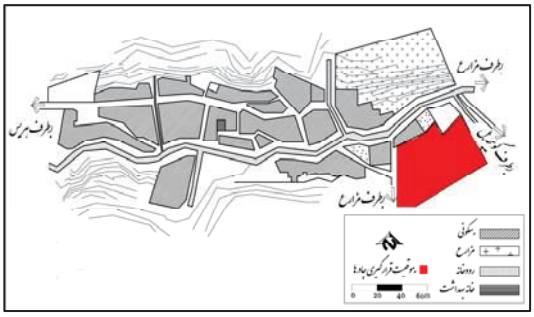

ت ۳. قرارگیری چادرها در شرق روستای چوباتلار سردارلو.

تعداد چادرها متناسب با تعداد افراد خانواده‌ها بود. حتی چادرهایی برای برخی ادارات مرتبط در محل نصب شد. ۳۰-۲۰ چادر اضافی نیز به انباری اختصاص یافت. فاصله چادرها از جاده شرق و شمال شرقی حدود ۲۰ الی ۳۰ متر و راهروی ما بین چادرها در حدود ۵-۲ متر بود و برای اینکه از هر طرف چادرها رفت و آمدی نباشد، طرف دیگر چادرها به هم چسبانده و فاصله بین آن‌ها حذف شد (تصویر ٤).

چند روز بعد از برپایی چادرها توسط هلال احمر بعضی از افراد چادر را به محل قبلی خانه خود یا به جاهایی که امکانات برق، آب و سرویس بهداشتی مناسب بود و جای امنی به‌شمار می‌رفت، انتقال دادند. بعضی از خانواده‌ها نیز چادرهای خود را از کمپ جدا کرده و به‌صورت فامیلی به جاهای دیگر بردند. این اقلام علاوه بر افزایش امنیت چادرها، به آن‌ها اجازه می‌داد در مواقع سخت به هم کمک کنند. از مدرسه هم به‌عنوان سرویس بهداشتی استفاده می‌شد. چادرها در تابستان مشکل سرمایش جدی نداشتند. مشکل گرمایش آن‌ها نیز در پاییز از طریق والور و بخاری برقی تأمین می‌شد. البته از روکش‌های نایلونی نیز بر روی چادرها استفاده شده بود تا علاوه بر اینکه از ورود باران به چادرها جلوگیری شود، عایقی در برابر سرما نیز باشند، البته صدایی که از این روکش‌ها به‌وجود می‌آمد باعث اذیت ساکنین چادر به‌خصوص در شب می‌شد (تصویر۵).

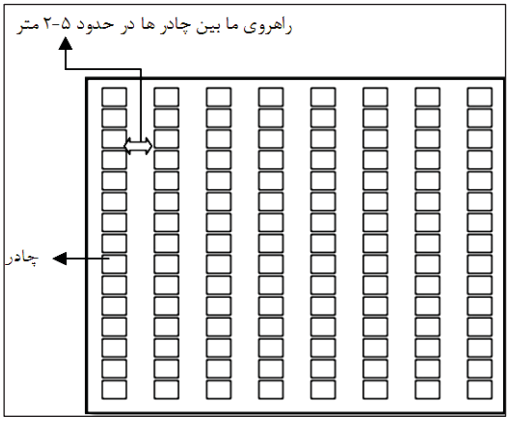

ت ٤. نحوه سامان‌دهی و چیدمان چادرها در روستای چوبانلار سردارلو.

روشنایی چادرها با برق موقت توسط اداره برق شهرداری هریس تأمین و امنیت چادرها نیز توسط نیروی انتظامی حفظ می‌شد.

ت ۵. روکش نایلونی روی چادرها برای جلوگیری از ورود باران.

عرضه غذا: به گفته زنان روستایی نحوه خدمات‌رسانی برای غذا بدین شکل بود که در اوایل از سرند (روستای نزدیک چوبانلار) آورده و تقسیم می‌کردند و به ازاء هر خانواده هزار تومان می‌گرفتند ولی بعدها این نحوه توزیع قطع شد. چون در روزهای اول بعد از زلزله روستائیان خود نمی‌توانستند غذا بپزند لذا غذایشان را یا فامیلهایشان از تبریز و یا افراد دیگر از جاهای دیگر می‌آوردند. ولی بعد از گذشت چند هفته بعد از زلزله خود اقدام به پخت غذا نمودند.

نحوه جمع‌آوری و نگهداری دام‌ها: محلی برای دام‌ها در کنار چادرها در نظر گرفته و دور آن تور سیمی کشیدند. مردان به کمک زنان دام‌ها را نگهداری یا به صحرا برده و به‌صورت گروهی نگهبانی می‌دادند. شب‌ها نیز دام‌های خود را جمع کرده و به‌صورت گروهی (۳ نفری) نگهبانی می‌دادند. وظیفه دوشیدن شیر گاو نیز به‌طور کلی بر عهده زنان روستایی بود. معمولاً دو حالت نیز برای نگهداری شیر و تبدیل آن به لبنیات دیگر وجود داشت. کسانی که شیر گاو آن‌ها به حد کافی بود آن‌را برای مصرف خود به ماست، کره و پنیر تبدیل می‌کردند. اما کسانی که شیر گاو آن‌ها کافی نبود معمولاً ۲ الی ۳ نفری با یکدیگر شریک شده شیر را به نوبت مبادله می‌کردند. یکی از زنان روستایی چنین می‌گوید: قبل از طلوع خورشید از خواب بلند می‌شدم، ابتدا سماور را روشن کرده و تا جوش آمدن آب به سراغ دوشیدن شیر گاو می‌رفتم و تا خوردن ناشتا، رختخواب‌ها را جمع می‌کردم و سریعاً به سراغ مرغ‌ها رفته و با رها کردن آن‌ها در محیط آزاد و نیز هدایت دام‌ها به سمت چراگاه بلافاصله جهت جمع کردن سفره ناشتا می‌رفتم. تا هنگام غروب در تلاطم بودم. به هنگام غروب نیز با برگشت دام از چراگاه و دوشیدن شیر آن و نهایتاً تهیه شام و شستن ظرف‌های آن رختخواب‌ها را پهن کرده و می‌خوابیدیم.

در شرایط کنونی اوضایمان خیلی آشفته است حال و حوصله دوشیدن شیر را نداریم اگه شیر هم بدوشیم برای تبدیل آن به لبنیات جا و مکان نداریم.

ترس و ناامنی جانی: از مشکلات دیگری که در اسکان‌موقت پیش روی زنان قرار دارد ناامنی ناشی از حیوانات وحشی و غارت اندک اموالی بود که از زلزله برجای مانده بود. به ویژه درشب‌هایی که مردها به نگهبانی از دام‌ها رفته و زنان در چادرها می‌ماندند، این مشکلات بیشتر هم می‌شد. یکی از زنان در این خصوص می‌گوید: از حیوانات و جانوران و گرگ‌ها در امان نیستیم برای ما که زن هستیم تحمل چنین شرایطی خیلی سخت است. شب‌ها وقتی می‌خوابیم حتی وقتی سرمای چادر را هم تحمل می‌کنیم فکر حیوانات و اینکه حمله کنند ناراحتمان می‌کند. چون دام‌هایمان بدون هیچ محافظی هستند، شوهرانمان برای نگهبانی از دام‌هایمان می‌روند و کشیک می‌کشند و ما مجبور می‌شویم بعضی از شب‌ها بدون مردها در چادر بمانیم.

کمبود امکانات بهداشتی: یکی دیگر از مشکلاتی که در اسکان‌موقت پیش روی زنان قرار داشت، نبود حمام به تعداد کافی و کمبود امکانات آن بود. در این روستا برای هر ۹ خانواده یک حمام در نزدیکی اردوگاه چادرها در نظر گرفته شده بود و بعد از اینکه مردم روستا مکان چادرهای خود را تغییر داده و کانکس‌هایی برای زلزله‌زدگان اختصاص داده شد، مشکل دوری حمام از محل اسکان، نیز بر مشکلات دیگر آن‌ها اضافه گردید. حمام‌ها در اسکان‌موقت به دو گونه بودند یک نوع از آن‌ها اتاقک کوچک بدون سقف بود که مردم یک پتو روی آن کشیده بودند که هیچ قفلی نداشتند (تصویر ٦). آب گرم حمام نیز از اجاقی که آتش زیر آن‌را از چوب درست می‌کردند و یا بوسیله کپسول‌های گازی تأمین می‌شد، تهیه می‌کردند. این حمام‌ها بدون هیچ امکانات

برق و روشنایی بوده و با بسته شدن در حمام، داخل آن تاریک می‌گردید. افرادی که حمام می‌کردند مجبور بودند برای گرفتن آب چندین بار در حمام را باز کنند.

یکی از زنان چنین می‌گوید: در چنین شرایطی استفاده از این نوع حمام‌ها برای ما زنان غیر ممکن به‌نظر می‌رسد ولی به ناچار مجبور به استفاده از آن‌ها بودیم. با توجه به اینکه افراد مریض و مجروح زیادی در این روستا زندگی نموده بنابراین استفاده مشترک از این حمام‌ها از لحاظ بهداشتی مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد.

ت ٦. حمامی که در زمان اسکان‌موقت از آن استفاده می‌شد.

یک زن ٦٢ ساله با ٨ فرزند که دو نفر آنان دارای معلول ذهنی و جسمی است و در عین حال خود از درد یک دست و پا رنج می برد، می‌گفت: مشکل ما نسبت به افراد دیگر روستا با توجه به اینکه دو تا بچه ٣٢ ساله و ٢٦ ساله معلول دارم، زیاد است. دو تا بچه معلول ذهنی و جسمی که حتی نمی‌توانند به تنهایی دستشویی بروند و خودم مجبور می‌شوم آن‌ها را ببرم، خیلی سخت می‌گذرد. دستشویی و حمام دورتر از اسکان چادرهاست، مجبورم برای دستشویی و حمام آن‌ها را آنجا ببرم در حالی که اگر یک دستشویی کنار چادر داشتم مشکلم تا حدودی حل می‌شد. برای حمام کردن آب گرم نداریم، گرم کردن آب برای حمام هم برایم سخت است. زمانی که بخواهم دختر نابینایم را به تنهایی حمام ببرم، مشکلم بیشتر از پیش می‌شود. بقیه اهالی روستا در تبریز و جای دیگر فامیل دارند و برای حمام به آنجا می‌روند ولی ما که نداریم با دو تا بچه معلول خیلی عذاب می‌کشیم.

زن ٢٤ ساله به همراه مادر ٥٦ ساله‌اش می‌گویند: این دو سه ماهی که زلزله آمده کلاً سه بار حمام رفته‌ام آنقدر موهای سرم ریخته و می‌ریزد که لباس‌هایم پر از مو می‌شود. یک چهار گوشه اتاقکی داریم که به آن حمام می‌گوییم با سقفی باز که از همه جای آن باد می‌آید. یک نفر آب را گرم می‌کند و به داخل حمام می‌آورد. همین دیروز ١٢ نفر در این محل، حمام کردند. هم مریض آنجا حمام می‌کند و هم سالم. از لحاظ روحی هم که باشد خیلی عذاب می‌کشیم. چون در روز رفت و آمد افراد روستا زیاد است و حمام در دید همه قرار دارد بنابراین کمتر به حمام می‌رویم شاید ماهی یکبار هم به زور رفتیم. معذب می‌شویم در نگاه عموم مردان روستا به حمام برویم آن هم حمامی که درهایش بدون قفل است و همه جایش درز دارد.

عدم دفع صحیح زباله‌ها: مشکل دیگری که در زمان اسکان‌موقت پیش روی روستائیان قرار داشت عدم دفع صحیح زباله‌ها و انباشته شدن آن‌ها درفضای بین چادرها و محیط داخل روستا بود که از این طریق وجود موش‌ها و حشرات، خطرات جدی برای سلامتی آنان محسوب می‌شد. زن ٣٤ ساله‌ای در این باره می‌گوید: زندگی در میان این همه زباله خیلی سخته، جای مناسبی برای تخلیه زباله‌هایی که ایجاد می‌شود، وجود ندارد و مردم به ناچار آن‌ها را در داخل روستا رها می‌کنند، حشرات زیادی را جذب می‌کنند و بوی خیلی بدی هم می‌دهند. احتمال اینکه از طریق این آلودگی‌ها مریض شویم هم زیاد

هست. مشکل دیگر روستائیان عدم سرپوشیده کردن چاه فاضلاب سرویس‌های بهداشتی بود که در مواقع گرم روز، مشکلات بهداشتی زیادی به بار می‌آورد.

کمبود فضاهای مذهبی: یکی دیگر از فضاهای جانبی که زنان به آن نیاز دارند و وجود آن باعث آرامش خاطر زنان روستایی می‌شود فضاهایی مثل مسجد، حسینیه و غیره می‌باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این مورد می‌گوید: فضاهای مکمل مثل مسجد و غسالی وجود ندارد.

دولت بهتر است برای مسجد و فضاهای جانبی دیگر ما اقدام کند. ساختن فضاهایی مثل مسجد حتی به‌صورت موقت خیلی به ما کمک می‌کند تا آرامشی که در زلزله از دست داده‌ایم را به ما برگرداند. الان که مکانی برای راز و نیاز وگفتگوی ما زنان روستا وجود ندارد، مسجد جای بسیار مناسبی برای جمع شدن اهالی روستا و رسیدگی به مشکلات یکدیگر و محلی برای عبادت آنان می‌تواند باشد.

کمبود امکانات آبرسانی: شیوه آبرسانی در زمان اسکان‌موقت به این شکل بود که برای تعداد مشخصی از چادرها، در فاصله قابل توجه یک شیر عمومی آب تعبیه کرده بودند. در نظر گرفتن یک شیر آب برای چندین چادر و همچنین دور بودن آن مشکلاتی برای زنان به وجود می‌آورد. چرا که زنان روستا تمام کارهای شست و شوی خود مثل شستن ظروف و لباس را در این محل انجام می‌دادند و با توجه به سردی هوا و بوران منطقه و دور بودن شیر آب از محل چادرها و همچنین در معرض دید بودن آن مشکلات زیادی را برای زنان روستا به وجود می‌آورد.

زن سالمند ۷۰ ساله می‌گوید: برای چند گروه از چادرها یک شیر آب اختصاص داده‌اند. من که پیر زن هفتاد ساله‌ام شستشو با آب سرد برایم خیلی سخت است. نشستن در چادرهای پر از رطوبت برایم فلج کننده است. یک زن پنجاه ساله اضافه می‌کند که شیر آب از چادر ما خیلی دور است. ما که ظرف‌های غذا و لباس‌هایمان را در آنجا می شویم وسایل زیادی هم که نداریم جمع کنیم و روزی یکبار، همه آن‌ها را یکجا بشوییم، مجبوریم بعد از خوردن حتی یک استکان چایی آن‌ها را بشوییم. دور بودن شیر آب از چادرها و مهم‌تر از آن سردی هوا و سرد بودن آب مشکل را چند برابر کرده است.

مشکلات ناشی از زندگی جمعی و گروهی: در اکثر مناطق روستایی مردم تمایل دارند تا در کنار اقوام و خویشان نزدیک خود زندگی را بگذرانند (تصویر۷). این امر گرچه مزایایی چون یاری رساندن به هم در مواقع نیاز و احساس امنیت بیشتر خانوارها را به‌همراه داشت ولی در کنار آن مشکلاتی نیز مانند تحمل افراد دیگر چادرها به‌همراه داشت.

ت ۷. چیدمان چادرها برحسب رابطه خویشاوندی.

زنی بیست و چهار ساله به همراه مادر پنجاه و شش ساله‌اش می‌گویند: چه زندگی قشنگی در خانه‌هایمان داشتیم ولی الان چه، الان وقتی حرف می زنی همسایه‌ات می‌شنود. وقتی کسی سرفه می‌کند من بیدار می‌شوم، این که نشد زندگی. باور کنید چند روزی است که یکی از همسایگایمان مریض است تا صبح نتوانستیم از صدای سرفه‌هایش بخوابیم. چون چادرها به هم نزدیک است حتی وقتی حرف می‌زنی همسایه بغلی‌ات می شنود، آسایش و راحتی اصلاً نداریم.

۲. داخل چادر (عوامل محاطی)

مشکل گرمایش چادرها: یکی از معایب اسکان در چادرها، سرمای طاقت فرسای آن در فصل پاییز و زمستان است. پس از زلزله به توزیع برخی از اقلام مورد نیاز آسیب‌دیدگان از جمله بخاری برقی و والور توسط دولت اقدام گردید. این اقلام تا حدودی می‌توانست چادرها را گرم کند ولی مشکلاتی را هم در پی داشت، از جمله آن‌ها احتمال آتش گرفتن چادرها بود، اتفاقی که در بیشتر روستاهای زلزله‌زده منطقه افتاده بود. مردم خیلی با احتیاط بخاری‌های خود را روشن می‌کردند و در برخی اوقات آن‌ها را خاموش کرده و در سرما می ماندند وگاهی اوقات جلوی چادرهای خود آتش روشن می‌کردند. از طرف دیگر تهیه نفت برای والورها نیز سخت بود. مشکل سرمای داخل چادرها بیشتر از مردان برای زنان وجود داشت چرا که آنان بیشتر از مردان در چادرها بوده و بیشتر کارهای چادر برعهده آنان می‌باشد.

یک زن هفتاد ساله با ٦ بچه می‌گوید: در چادر خیلی سردمان می‌شود، باد به نایلون‌هایی که روی چادرها کشیده‌اند می‌خورد و خیلی صدا می‌دهد. یادم هست آن روزهای اول هم با دوتا پتو و لحاف هم نمی‌توانستیم بخوابیم. شب‌ها از سوز سرما برای اینکه نوه‌هام سردشان نشود، در آغوششان می‌گرفتم تا کمی گرم شوند و بتوانند طاقت بیاورند. والور روشن می‌کنیم ولی برای تهیه نفتش دچار مشکل می‌شویم. هر کسی که لازم داشته باشد مجبور می‌شود از روستای چای کندی نفت بگیرد. امسال شب‌ها در آذربایجان اغلب باران باریده، موقع باریدن باران هم خیلی اذیت می‌شویم، با هر قطره بارانی که روی چادر می افتد و صدا می‌دهد، قطره اشک از چشمان من نیز جاری می‌شود، فکر روزهای قبل می افتم که زندگی قشنگی داشتیم و الان در کجاییم. ما روستایی‌ها علاقه زیادی به خانه و مال و حیواناتمان داریم چون اونارو به سختی به‌دست آورده‌ایم، از خوراک و پوشاکمان زده بودیم تا خانه داشته باشیم. تحمل همچین لحظه‌هایی برایمان خیلی سخت است، علی‌الخصوص برای ما زن‌ها که بیشتر عمرمان و لحظه لحظه‌های زندگیمان را در خانه‌هایمان بسر می‌بردیم. الان برای گرم کردن چادرهایمان مشکل داریم در حالی که قبل از این مصیبت برای زمستان خود و بچه‌هایم سبزی خشک می‌کردم، در قسمتی از خانه سفره‌های سبزی را پهن می‌کردم و منتظر می‌ماندم تا خشک شود. چون نمی‌توانم در کارهای دامداری و کشاورزی کمک کنم بیشتر خودم را مشغول کارهای خانه می‌کنم. از اضافات میوه‌هایی که از باغهایمان می‌آوردیم مربا درست کرده و از تفاله‌های آن برای بچه‌های روستا لواشک درست می‌کردم، در حالی که الان آواره مانده‌ایم.

نبود تهویه و آلودگی داخل چادر: به‌دلیل تعداد و سطح کم پنجره‌ها امکان تهویه هوا و نور مناسب در داخل چادر وجود نداشت. برای اینکه هوا تا حدی تهویه شود مجبور به باز گذاشتن پنجره‌ها و در می‌شدند که به‌لحاظ فرهنگی و امنیتی و همچنین به‌لحاظ نوع آب و هوای سرد منطقه ایجاد مشکل می‌کرد. در ورودی نامناسب بود، در نتیجه حریم خصوصی حفظ نمی‌شد. چادرها فضایی برای نگاهداری وسایل نداشته و کل لوازم زندگی به‌صورتی کاملاً در هم ریخته در داخل چادر مشاهده می‌شد. به‌علت نداشتن کف مناسب و همسطح بودن کف چادر با سطح بیرون آن، آلودگی و آب و خاک موجود در اطراف چادر به داخل آورده می‌شد. جای مناسبی برای گذاشتن و نگهداری کفش‌ها وجود نداشت و در رفت و آمد به چادر، باعث آلودگی داخل چادر می‌شد.

یک زن سی و هشت ساله با ٤ فرزند می‌گوید: زندگی در چادر با این همه مشکلات خیلی سخت است. به‌دلیل وجود نم و رطوبت و همچنین کمبود نظافت افراد از

داخل چادرها بوی بدی می‌آید. وقتی می‌خواهیم پنجره و در چادرها را باز کنیم تا هوا عوض شود نه تنها تهویه صورت نمی‌گیرد، سردمان هم می‌شود، ضمناً داخل چادر دیده می‌شود و از این جهت راحت نمی‌شویم. بیشتر بچه‌هایمان پای برهنه از چادر بیرون می‌روند و می‌آیند، کف چادر هم که با بیرون همسطح است داخل چادر آلوده می‌شود. چادرهایمان کف مناسبی ندارد و رطوبت و آب را به داخل می‌دهند. فرش و پتو می‌اندازیم ولی از آن نفوذ می‌کند هیچ اثری ندارد.

کمبود جا در چادر و تعداد زیاد افراد: بعد خانوار بالا در یک چادر معمولاً مشکلاتی را به‌دنبال می‌آورد. از جمله این مشکلات کمبود جا برای خوابیدن و یکجا بودن همه اهالی خانه در شب بود. همچنین کمبود فضا در داخل چادر باعث شده زنان روستایی مثل قبل نتوانند به فعالیت‌های خود بپردازند. اکثر زنان این روستا قالی می‌بافند و بیشتر خرج زندگی خود را از این راه به‌دست می‌آورند. مادران و دختران برای تهیه جهیزیه مجبور به کارکردن در خانه و بافتن فرش می‌شدند که علاوه بر تأمین هزینه زندگی، باعث مشغولیت و بالا رفتن اعتماد و عزت نفس آنان می‌شد ولی به‌دلیل کمبود جا و نبود سرمایه اولیه تهیه قالی، بعد از زلزله و در اسکان‌موقت این اعتماد به نفس از آنان گرفته می‌شد.

یک زن چهل و هفت ساله با ۷ فرزند می‌گوید: شب‌ها پنج نفری در چادر می‌خوابیم. خیلی خیلی سرد می‌شود. بخاری برقی کوچکی داریم که روشن می‌کنیم ولی از ترس اینکه سیم‌ها داغ شوند و چادر آتش نگیرد هشیار می‌خوابم. شاید باورتان نشود در چادر برای خوابیدن من جا نمی‌ماند و مجبور می‌شوم ته چادر، جلوی باد و سرمایی که از سوراخ‌های چادر می‌آید، بخوابم. از سرما و تنگی جا تا صبح نمی‌توانم بخوابم. ما که تعدادمان زیاد است، از کمبود جا رنج می‌بریم. ما سال قبل در همین موقع‌ها مشغول درست کردن ماست از شیر حیواناتمان می‌شدیم مربا درست می‌کردیم، قالی‌بافی می‌کردیم و زندگی خوبی داشتیم. صبح‌ها که از خواب بلند می‌شدیم به امید کار و زندگی بلند می‌شدیم ولی الان هر دوی این امیدها از ما گرفته شده است.

یک زن شصت و شش ساله می‌گوید: زندگی در چادر خیلی سخت است مخصوصاً شب‌ها. مسئولان خودشان یکبار ۵ نفری در یک چادر بخوابند، ببینند می‌شود؟ علی‌الخصوص من که نوه کوچک هم دارم، مشکل بیشتری دارم. موقع خوابیدن، نوه‌ام به این طرف و آن طرف می‌رود و وول می‌خورد و اذیت می‌کند. زندگی با افراد بزرگ‌تر در یک چادر به روحیه دختر خانم‌ها تأثیر منفی گذاشته است. روحیه‌مان خیلی فرق کرده تا جایی که بعضی وقت‌ها آرزوی مرگ می‌کنیم. قبل از زلزله با دخترهایم جمع می‌شدیم و به نوبت در خانه هرکدام قالی‌بافی می‌کردیم و با فروش آن برای خود و خانه‌مان وسایل می‌خریدیم. ولی وقتی زلزله آمد همه سرمایه‌مان زیر آن ماند بعد از آن هم نتوانستیم دوباره قالی‌بافی کنیم. چطور می‌توانیم فرش ببافیم وقتی که داخل چادر برای خودمان و وسایل ضروری زندگیمان جا نداریم. ما زنان روستایی از بچگی کار کرده‌ایم و بدون کار نمی‌توانیم زندگی بکنیم الان هم که در چادریم خیلی برایمان سخت می‌گذرد.

آشپزی و مشکلات آن در داخل چادر: از جمله فعالیت‌هایی که برای ادامه زندگی روزمره لازم و ضروری می‌باشد پخت غذا توسط ما زنان روستایی است. این فعالیت‌ها بعد از زلزله نیز در چادرها و کانکس‌ها ادامه دارد. شکل پخت غذا قبل از زلزله در خانه‌های ما به‌صورتی بود که اجاق، یخچال و سینک ظرفشویی را طوری در آشپزخانه قرار می‌دادیم که رابطه خوبی بین این‌ها برقرار بود و با کم‌ترین اتلاف وقت و انرژی و

راحتی و آسایش بیشتری داشته‌ایم. بعد از زلزله یخچال را در گوشه‌ای از کانکس قرار داده و تمام وسایل زندگی و مورد نیاز برای آشپزی را هم کنار آن قرار دادیم (تصویر ۸). گاز پیک نیک و یا والور برای پخت غذا را هم درکنار یخچال به طرف در کانکس گذاشته و غذا می‌پزیم و بدین ترتیب ارتباطی که بین وسایل آشپزخانه وجود داشت، از بین می‌رود. با این وجود هم به‌دلیل اینکه فضای کانکس‌ها کوچک بوده و با روشن شدن گازهای پیک‌نیک گاز مونوکسیدکربن در فضا پخش می‌شود بنابراین مجبور به پخت غذا در خارج از کانکس‌ها می‌شویم. در چادر مشکل بیشتر از کانکس بوده و احتمال آتش گرفتن چادر به کمبود فضا و پرشدن آن از طریق گاز ناشی از سوخت اضافه می‌شود. باتوجه به اینکه در فضای چادر نیز جایی برای گذاشتن یخچال نیست، آن‌را بیرون گذاشته و بنابراین چرخش لازم از بین می‌رود. در نهایت برای پخت غذا و آشپزی مجبور می‌شویم وسایل آن‌را از یک جا جمع کرده، در جای دیگر بپزیم و در جای دیگر ظرف‌های آن‌را بشوییم این کارها وقت زیادی از ما می‌گیرد و خسته می‌کند.

ت ۸. یخچال در گوشه ای از کانکس قرار داشته و وسایل مورد نیاز آشپزی در کنار آن گذاشته‌اند.

نتیجه

کشور ایران همواره مستعد وقوع زلزله و انواع دیگر از بلایای طبیعی است. این در حالی است که طی دهه‌های گذشته آمار تلفات جانی و مالی ناشی از زلزله و حجم تخریب زیاد شده است؛ خصوصاً در مناطق روستایی که استحکامات مساکن آن‌ها نیز پایین‌تر است، شاهد خرابی‌های بیش از حد معمول نیز می‌باشیم. بنابراین پس از چنین حوادثی، تأمین سکونتگاه‌های اضطراری و موقت برای تأمین امنیت و آرامش آن‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد. این سرپناه فراتر از محل زندگی بوده و تنها شامل یک اتاقک ساده نمی‌باشد. باید دانست که مردم پس از سانحه، بی‌خانمان می‌شوند و نه بی‌ساختمان. در همین جاست که نقش مسکن‌موقت پررنگ شده و آرامش، امنیت، اطمینان خاطر و بازتوانی روانی و روحی از آن انتظار می‌رود.

این مطالعه به تبیین دیدگاه زنان روستایی پیرامون اسکان‌موقت و مشکلات آن پرداخته و منجر به استخراج موردهایی در دو سطح خارج از چادرها و داخل چادرها گردید. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که زنان روستایی در عرصه خارج از چادرها با مسائل و مشکلاتی چون نحوه عرضه غذا، نحوه جمع‌آوری و نگهداری دام‌ها، ناامن بودن چادرها از خطرات حیوانات وحشی، کمبود امکانات بهداشتی مثل حمام و دستشویی مناسب، عدم تخلیه زباله‌ها، عدم سرپوشیده کردن چاه‌های فاضلاب، نبود فضاهای مکمل مثل مسجد، کمبود امکانات آبرسانی از جمله نبود شیر آب به تعداد کافی و دور بودن آن از محل چادرها، نزدیک بودن چادرها به هم که آرامش و آسایش را از طریق انتقال صدا از چادر به چادر دیگر گرفته بود، مواجه بودند. این در حالی بود که مشکلات داخل چادرها کمتر از مشکلات خارج از آن‌ها نبود. مشکل گرمایش چادرها که

به هیچ وجهی قادر به گرم کردن آن نمی‌شدند و بعضی از شب‌ها تا صبح بیدار می‌ماندند و با روشن کردن آتش در بیرون از چادرها خود را گرم می‌کردند، نبود تهویه و بدنبال آن آلودگی داخل چادرها که به‌علت وجود نم و رطوبت بوجود می‌آمد، تعداد افراد زیاد در یک چادر که به سختی می‌توانستند همگی در آن جا شوند و مشکلات آشپزی و نبود حداقل امکانات از جمله آن‌ها بودند.

با توجه به مسائل و مشکلات موجود برخی ار راه حل‌های پیشنهادی به ترتیب از کل به جزء (از خارج به داخل چادرها) به شرح زیر طرح می‌گردند: همچنان که اشاره شد ناامنی چادرها شرایط سخت و مشکلاتی را بوجود می‌آورد که می‌توان با تدابیری مثل حصارکشی و دیوارچینی کوتاه گرداگرد محوطه چادرها علاوه بر اینکه از ورود حیوانات به محل جلوگیری نمود، امنیت را نیز بالا برد و از شدت مشکلات کاست. اینگونه حصارکشی‌ها همچنین یک حریم خصوصی برای چادرها ایجاد کرده و باعث می‌شود افراد با آرامش بیشتری در چادرهای خود مانده و از سرما و گرما در امان بمانند. با توجه به صحبت‌های افراد روستایی در خصوص مشکلات حمام، اگر حمام‌های پیش‌ساخته بیشتری با مصالح مناسب به‌صورت جداگانه به مردان و زنان داده شود و حمام‌های زنانه را نیز در جاهای خارج از دیدرس عموم قرار دهند تا حدودی از مشکلات آن‌ها در این زمینه خواهد کاست. برنامه‌های پیشگیرانه برای حل معضل زباله‌ها و سایر فضولات باید در نظر گرفت حتی اگر حمل زباله با در نظر گرفتن اصول بهداشتی انجام شود، باز هم موش‌ها و حشرات عوامل بیماری‌زا هستند. برنامه‌هایی برای ریشه کن کردن پشه‌های ناقل بیماری و جلوگیری از زاد و ولد موش‌ها باید در نظر گرفت. ظروف زباله باید دارای در بوده و در محل ثابت باشند. همچنین سطل‌های زباله قابل حمل دسته‌دار نیز وجود داشته باشند. حداقل یک عدد کانتینر یا ظرف زباله بزرگ باید برای هر گروه جمعیتی مهیا شود که در خارج از قطعه زمین مرکز اجتماعات استقرار یابد. بهتر است که چاه‌های مستراح با اندودهای سیمانی پوشیده شوند. افزایش تعداد شیرهای آب حداقل یک عدد برای هرچند واحد چادر، قرار دادن بشکه‌های آب در نزدیکی چادرها، ارائه امکانات بیشتر وسایل و کپسول‌های گازی به مردم، ارائه ماشین‌های رختشویی، احداث مسجد به‌صورت موقت تا زمان ساخت نهایی آن از جمله راه حل های دیگری است که می‌توان بوسیله آن از شدت مشکلات کم کرد.

علاوه بر پیشنهادهای حل مشکلات خارج از چادر، باید با تدابیری اقدام به حل مشکلات داخل چادر کرد از جمله اینکه برای حفظ بهداشت و آسایش چادر می‌توان فضای آن‌را به دو قسمت فضای زندگی و قسمت انباری تقسیم کرد. یعنی قسمتی را برای امور معمول زندگی مثل صرف غذا، استراحت، خواب و قسمت دیگری را برای نگهداری وسایل پخت‌وپز و شستشو اختصاص داد و پرده‌ای ما بین دو فضا تعبیه نمود. برای حل مشکل تهویه و خارج شدن گاز مونوکسیدکربن از داخل می‌توان یک هواکش در بدنه کانکس‌ها تعبیه نمود. همچنین می‌توان تعدادی پنجره در قسمت بالای چادرها روبروی هم ایجاد کرد و برای جلوگیری از اتلاف انرژی از روکش‌هایی استفاده کرد. برای حل مشکل گرمایش چادرها می‌توان استفاده از سیستم‌های گرمایشی که بتوان بدون روشن کردن آتش آن‌را گرم کرد، توصیه نمود. یکی از راه‌حل‌هایی که برای حل مشکل کمبود جا در چادر می‌توان ارائه نمود ارائه چادر متناسب با بعد خانوار می‌باشد و یا در صورت نبود چادرهای مختلف، به خانواده‌هایی با بعد خانوار زیاد چندین چادر ارائه شود تا از یک چادر هم به‌عنوان انباری و هم محل زندگی

استفاده نکرده و جا برای انجام فعالیت‌های روزمره داشته باشند.

تردیدی نیست که نتایج این مطالعه می‌تواند در راستای بهبود برنامه‌های مربوط به اسکان‌موقت به کار گرفته شود. اطلاعات به‌دست آمده می‌تواند دستمایه پژوهش‌های دیگر در این زمینه قرار گیرد تا افق‌های دیگری در مورد این پدیده گشوده شود.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب سپاس خود را از افراد شرکت‌کننده در این مطالعه به‌خاطر صبر، حوصله و همچنین اعتمادشان به محققین ابراز می‌دارند.

فهرست منابع

– خدابنده‌لو، زهره؛ طاهری، مژگان. (۱۳۸٤)، ارزیابی تطبیقی شیوه‌های بازسازی مسکن در ایران و چند کشور سانحه‌خیز، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

– خداداده، یاسمن؛ مینو، ضیایی. (۱۳۸۷)، بررسی اشکالات چادرهای موجود برای اسکان‌موقت بازماندگان زلزله در ایران و ارائه طرح پیشنهادی چادر فنری نشریه هنرهای زیبا. شماره ۳۳، صص ۵۷–٦۸.

– دهقان نیری؛ ناهید، اسدی نوقابی، احمدعلی. (۱۳۷۹)، اصول تحقیق، روش‌ها، ارزیابی و کاربرد، تهران: انتشارات اندیشه رفیع.

– شادی‌طلب ژاله. (۱۳۷۹)، مدیریت زنان، مجموعه مقالات کنگره زنان، دانشگاه و فردای بهتر. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، معاونت فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، صص ۵۱–٦۵.

– فلاحی، علیرضا. (۱۳۸٦)، معماری سکونتگاه‌های موقت پس از سوانح، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

– گلابچی، محمود؛ مجتبی، طیبات. (۱۳۸٦)، علل عدم پایداری ساختمان‌های مسکونی روستایی در برابر زلزله و ارائه الگوی ساخت براساس امکانات و توانایی‌های محلی مطالعه موردی: روستاهای زرند کرمان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۰، صص ۳۱–٤۲.

– لاتینا، کورادو. (۱۳٦۹)، استفاده طولانی از مساکن موقت پیش ساخته در زلزله‌های ایتالیا، ترجمه زهرا اهری، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.

– لباف خانیکی، مجید. (۱۳۸۰)، ارتباط اقتصادی زنان روستایی با نظام تولید سنتی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، جلد ۲، وزارت جهاد سازندگی، تهران.

– معماری، علی محمد؛ نیره، خندانی. (۱۳۷۲)، بررسی اندرکنش دینامیکی عناصر تیر آهن و طاق‌های آجری در سقف‌های طاق ضربی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران ٦۰–۵۳.

– ناطق الهی، فریبرز. (۱۳۷۷)، روش‌های ساخت، تعمیر و تقویت ساختمان‌های سنگی مقاوم در برابر زلزله، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، صص ٦۵–٦۷.

- Johnson Cassidy. (2007), Impacts of prefabricated temporary housing after disaster: 1999 earthquakes In Turkey Habitat International 3136-52.